

فیدل کاسترو و نقد تاریخ

پدر روحانی، خاکی را که هم‌اکنون بر آن بوسه زدید به حضور شما بر خود افتخار می‌کند. شما در این خاک به مردمان نجیب و بی‌آزاری که پیش از آمدن اروپاییان ساکن این سرزمین بودند برخورد نخواهید کرد. مردان آنها اکثراً زیر فشار طاقت فرسای استثمار و بردگی اروپاییان از میان رفتند و زنانشان به ابزار جنسی و بردگان خانگی تقلیل یافتند. خون بیشماری دیگر نیز با تیغ آن آدمکشان ریخته شد یا قربانی امراضی گشتند که فاتحین با خود از اروپا به همراه آورده بودند. نوشته‌های کوبنده‌ی برخی از کشیشان و اعتراض‌های ثبت شده‌ی آنان علیه این جنایات، برای قضاوت تاریخ محفوظ مانده است. اروپاییان در طول فقط چند قرن بیش از یک میلیون آفریقایی را از سرزمین‌های مادری خود کنده و برای بردگی به این سرزمین منتقل ساختند تا جای خالی بردگان بومی‌ی را بگیرند که تا آن زمان از میان رفته بودند. خدمات عظیم همین بردگان به ترکیب نژادی سرزمین ما غیرقابل انکار است و بنیان این کشور و ترکیب جمعیت آن بر اختلاط فرهنگی و نژادی و اعتقادات و تاریخ غنی هم اینان استوار گشته است.

تخمین زده می‌شود که تسخیر و استعمار نیمکره‌ی غربی بدست اروپاییان به قیمت جان هفتاد میلیون بومی و دوازده میلیون برده‌ی آفریقایی تمام شده است. در این جریان خون‌های بیشماری به زمین ریخت و بی‌عدالتی‌های فراوانی اعمال شد؛ همان خونریزی‌ها و بی‌عدالتی‌هایی که بیشتر آن تا همین امروز، و به رغم تمام مبارزات و فداکاری‌ها، در اشکال تازه‌ی از سلطه جویی و استثمار نوین ادامه یافته است. کوبا زیر شرایط توان فرسا به استقلال خود دست یافت. کشور ما در راه استقلال مجبور بود به تنهایی و با نشان دادن قهرمانی‌های فراوان بجنگد. دقیقاً صد سال پیش بود که کوبا یک هالوکاست واقعی را از سر گذراند و در آن بخش عظیمی از جمعیت خود را در اردوگاه‌های مرگ از دست داد. ابعاد این جنایت، به رغم آنکه بشریت آنرا فراموش کرده و نقطه‌ی از وجدان او را اشغال نمی‌نماید، تقلیل پیدا نمی‌کند. شما در مقام یک فرزند لهستان و شاهده‌ی بر اوسویچم Oswiecim این امر را بهتر از هرکس دیگری درک می‌کنید.

پدر روحانی، امروز بار دیگر همان نسل‌کشی دارد بر مردم ما اعمال می‌شود توسط کسانی که می‌خواهند ما را با ضربات گرسنگی و بیماری و خفقان اقتصادی به زانو در آورند چرا که دیگر حاضر به پذیرش

دیکتاتوری و ضوابط و قوانین دیکته شده از سوی بزرگترین قدرت اقتصادی و سیاسی و نظامی تاریخ نیستند. این امپراتوری امروز به مراتب قدرتمند تر از رُم گذشته است، همان امپراتوری‌یی که برای قرن‌ها مردم را جلوی شیرهای گرسنه می‌انداخت تا تکه پاره شوند فقط به این دلیل که حاضر نبودند از اعتقادات خود دست بردارند. اگر در دوران گذشته این مسیحیان بودند که بهانه‌ی جنایت‌کاری‌های امپراتوری رُم محسوب می‌شدند، امروز این ما هستیم که بهانه‌ی همان جنایت پیشگی‌ها قرار می‌گیریم. ما اما مرگ را هزار بار بر تسلیم و نفی اعتقاداتمان ترجیح می‌دهیم. پدر روحانی، انقلاب بماند کلیسا شهیدان خود را دارد.

پدر روحانی، ما در مورد بسیاری از مسایل جهان امروز با شما هم عقیده هستیم و از این بابت خوشوقتیم هرچند که در دیگر موارد نقطه نظرهای خود را داریم در عین حال احترام به عقاید و ایمان محکم شما.

شما در طول سفرهای بسیار خود به اطراف جهان از نزدیک شاهد بسیاری از بی‌عدالتی‌ها، نابرابری‌ها، فقر، زمین‌های رها شده، کشاورزان گرسنه‌ی بی‌زمین، بیکاری، گرسنگی، و بیماری بوده‌اید. با صرف حداقل بودجه جان‌های بسیاری نجات پیدا می‌کند از بیسوادی، فحشای کودکان، کار کشیدن از کودکان شش ساله، گدایی و دریافت صدقه برای ادامه‌ی حیات، زندگی در حلبی آبادها زیر شرایط ضدانسانی، تبعیضات نژادی و جنسی و امثال آن. خودتان شاهد بوده‌اید که اقلیت‌های نژادی در تمامیت خود از زمین‌ها و سرزمین خود پاکسازی شده و آینده‌ی آن‌ها به دست تقدیر افتاده است. بر این‌ها باید اضافه کرد لیست خارجی ستیزی، دشمنی با غیرخودی، نابودی فرهنگ‌ها اگر تاکنون از میان نرفته بوده باشد، عدم توسعه و سنگینی بار وام‌های رباخواران جهانی بر ملت‌ها، وام‌های غیرقابل پرداخت و غیرقابل دریافت، مبادلات ارزی ظالمانه، سرمایه‌گذاری‌های مفتضحانه و غیرتولیدی، محیط زیستی که بیرحمانه و بطرزی بازگشت ناپذیر در حال نابودیست، اسلحه‌سازی و فروش اسلحه برای اهداف نفرت‌انگیز منفعت طلبانه، جنگ، خشونت، کشتار جمعی، فساد مالی همه‌گیر، مواد مخدر، و خصلت‌های زشت فردی، و فرهنگ مصرفی که بعنوان یک مدل ذهنی ایده‌آل بر مردم تحمیل می‌شود.

در طول قرن جاری بشر شاهد رشد چهار برابری جمعیت خود بوده و میلیارد‌ها انسان از گرسنگی و عطش رسیدن به برابری رنج می‌برند. لیست معضلات اقتصادی بشر و مصایب اجتماعی او پایان‌ناپذیر است و من از نگرانی‌های پدر روحانی در این خصوص آگاهی دارم.

تجربیات شخصی به من این امکان را می‌بخشد که جوانب دیگر نگرانی‌های شما را درک کنم. من تا روزی که مدرک لیسانس خود را گرفتم در مدرسه‌ی کاتولیک بودم. در آنجا به ما می‌آموختند که یهودی بودن یا اعتقاد به اسلام و هندو و بودایی، و یا جان‌گرایی و اعتقاد به روحِ اشیا، مستوجب شدیدترین عذاب‌های دائمیست. زمانی که در همان مدرسه‌ی خاص ثروتمندان و خواص بودم (خود من یکی از آن‌ها بشمار می‌آمدم) بارها و بارها برایم این سؤال پیش می‌آمد که چرا حتی یک نفر سیاه‌پوست هم در این مدرسه پیدا نمی‌شود. جواب‌های غیرقانع‌کننده‌ی آن‌ها را هنوز در خاطر دارم.

بعدها در «دومین شورای واتیکان»، به ریاست پاپ ژان بیست و سه، برخی از این مسایل مطرح شد. ما از کوشش‌های پدر روحانی در نشر عقیده‌ی احترام به ادیان دیگر آگاهی داریم. در کشور ما احترام یکسان به عقاید خداپرستان و بی‌خدایان از اصول بنیادین انقلاب کوبا بشمار می‌آید و به وضوح در قوانین کلی و قانون اساسی ما توصیف شده است. اگر در این راه مشکلاتی وجود داشته است مقصر خود ما هستیم نه انقلاب.

امید ما بر آنست که در آینده در هیچ مدرسه‌ی، در هیچ مذهبی، در هیچ جای جهان، این سؤال برای هیچ دانش‌آموزی پیش نیاید که چرا همکلاسی زرد پوست و سیاه‌پوست و سفیدپوست ندارد.

پدر روحانی، من از صمیم قلب موضعگیری‌های شجاعانه‌ی شما در خصوص محاکمه‌ی گالیله، دادگاه‌های انگیزشیون، تاریخ خونین جنگ‌های صلیبی، و جنایات صورت‌گرفته در طول تسخیر قاره‌ی آمریکا را ستایش می‌کنم. همچنین موضع شما در خصوص برخی اکتشافات علمی که به رغم اثبات درستی خود تا مدتها مورد حمله و آماج دشمنی‌ها بودند.

ما در کوبا چه داریم که به شما عرضه کنیم؟ مردمی که کمتر در معرض بی‌عدالتی‌ها قرار می‌گیرند، مردمی که خود را کمتر مستأصل می‌یابند، کودکان کمتری که مدرسه ندارند، بیماران کمتری که بیمارستان ندارند، و کشوری که نسبت آموزگار و پزشک آن به کل جمعیت بالاتر از هر جای دیگری در جهان است، مردمانی آگاه که در گفتگو با شما استعدادها و فرهنگ سیاسی بالای خود را نشان می‌دهند، مردمی که همیشه ایمان محکم و اعتماد بنفس خود نسبت به آرمان‌های خود را بارز می‌سازند. شما هیچ کشوری نخواهید یافت که به اندازه‌ی کوبا مضمون جهانی شدن توزیع عادلانه‌ی ثروت، و اتحاد میان انسان‌ها را درک کرده باشد.

به کشور کوبا خوش آمدید!

۲۱ ژانویه ۱۹۹۸ در استقبال از ژان پل دوم